



تعامل با جهان در این ارتباط دقت کرد تا مشکلات حل شود.

احزاب و گروه‌های حامی: شورای وحدت اصول‌گرایان، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، شورای وحدت، جمعیت حامیان انقلاب اسلامی، کانون اسلامی فارغ‌التحصیلان شبه‌قاره هند، حزب اسلامی قانون، حزب خدمت و مطالبه مردمی ایران اسلامی، حزب اسلامی ایران‌زمین، جبهه پیشرفت، فراه و عدالت، جمعیت جوانان انقلاب اسلامی، حزب مستقل کار.

چهره‌های سیاسی شاخص و مقامات فعلی و سابق حمایت‌کننده: منوچهر متکی (وزیر امور خارجه دولت احمدی‌نژاد)، سیدشهاب‌الدین صدر (معاون سابق قوه قضائیه)، حسن بیادی (نماینده پیشین شورای شهر تهران)، سیدمحمود حسینی‌دولت‌آبادی (نماینده سابق مجلس)، محمدعلی رضایی (نماینده سابق مجلس).

چهره‌های علمی، فرهنگی، ورزشی حامی: **چهره شاخصی** در این زمینه از این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم اعلام حمایت نکرده است.

علیرضا زاکانی

علیرضا زاکانی که این روزها در کسوت شهردار تهران در فضای مدیریتی و سیاسی کشور حضور دارد، برای دومین بار با مهر تاییدصلاحیت شورای نگهبان برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری روبه‌رو شده است و پس از اینکه در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره سیزدهم در سال ۱۴۰۰ به نفع سیدابراهیم رئیسی از حضور در انتخابات کناره‌گیری کرد، در آزمون دیگری قرار گرفته است. او پس از تاییدصلاحیت از سوی شورای نگهبان، اعلام کرد که شعار انتخاباتی اش «پاک باش و خدمتگزار» خواهد بود و البته در مناظره‌ها بارها تاکید داشته که این بار تا آخر می‌ماند و حتی این موضوع به چالشی در مناظرات و بحث‌ها بین او و مسعود پزشکیان بدل شد. زاکانی نیز مانند سایر نامزدهای انتخاباتی محور شعارهای انتخاباتی خود را پیرامون مسائل اقتصادی قرار داد، برای مثال او وعده داده است در هر سال به هر ایرانی شش گرم طلا خواهد داد.

احزاب و گروه‌های حامی: جبهه تحول‌خواهان انقلابی، جمعیت جانبازان انقلاب اسلامی، جمعیت رهیویان انقلاب اسلامی.

چهره‌های سیاسی شاخص و مقامات فعلی و سابق حمایت‌کننده: لطف‌الله فروزنده (معاون امور مجلس دولت احمدی‌نژاد)، مالک شریعتی (نماینده مجلس دوازدهم)، پرویز سروری (نایب رئیس شورای شهر ششم)، امین توکلی‌زاده (رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران)، داوود کوه‌زری (شهردار منطقه پنج تهران)، علیرضا نادعلی (سخنگوی شورای شهر تهران).
چهره‌های علمی، فرهنگی، ورزشی حامی: چهره شاخصی در این زمینه از این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم اعلام حمایت نکرده است.

سیدامیر حسین قاضی‌زاده‌هاشمی

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و ناکامی در آن به‌عنوان رئیس بنیاد شهید مشغول به فعالیت است هم مانند زاکانی دومین تجربه خود را به‌عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری به صورت متوالی پشت سر می‌گذارد. او در سال ۱۴۰۰ هم نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شد و تا پایان انتخابات هم برخلاف زاکانی در انتخابات باقی ماند اما تنها یک میلیون و ۳ هزار رای به‌دست آورد. قاضی‌زاده پس از انتخابات به ریاست بنیاد شهید در دولت سیزدهم رسید. او شعار انتخاباتی خود را در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری تشکیل «دولت خانواده» اعلام کرد و در برنامه‌ها و سخنرانی‌های خود اعلام کرده که در صورت رسیدن سیدابراهیم رئیسی و دولت سیزدهم طی سه سال گذشته پیموده‌اند. او در همه مناظره‌ها به شدت به دو چهره دیگر این رقابت یعنی مسعود پزشکیان و مصطفی پورمحمدی تاخت و خود را در جبهه جلیلی و زاکانی قرار داد. البته با پایان مناظره‌ها خبرهایی درباره احتمال انصراف او مطرح شد که تا پایان نگارش این گزارش چنین اتفاقی رخ نداده است.

احزاب و گروه‌های حامی: در بین بیانیه‌ها و اعلام مواضع رسمی از سوی احزاب و گروه‌های فعال در کشور، تقریباً هیچ حزب و گروهی در حمایت از قاضی‌زاده‌هاشمی بیانیه صادر نکرده است.

چهره‌های سیاسی شاخص و مقامات فعلی و سابق حمایت‌کننده: ریحانه اخلاقی (مسئول کمیته بانوان ستاد ابراهیم رئیسی در انتخابات ۱۴۰۰)
چهره‌های علمی، فرهنگی، ورزشی حامی: چهره شاخصی در این زمینه از این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم اعلام حمایت نکرده است.

سعید جلیلی

سعید جلیلی نیز مانند محمدباقر قالیباف برای سومین بار جهت رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری اقدام کرده است. اولین بار در سال ۱۳۹۲ از حسن روحانی شکست خورد، در دومین بار سال ۱۴۰۰ به نفع ابراهیم رئیسی کنار رفت و حالا قصد دارد برای سومین دوره شانس خود را برای ریاست‌جمهوری امتحان کند. او که در اولین روز ثبت‌نام‌ها پا به ستاد انتخابات وزارت کشور گذاشت، با شعار «یک جهان فرصت، یک ایران جبهش؛ هر ایرانی یک نقش باشکوه» وارد انتخابات دوره چهاردهم شد و در تمام نطق‌های انتخاباتی و برنامه‌های خود اعلام کرد که قصد دارد راه سیدابراهیم رئیسی و دولت او را ادامه دهد. بر همین اساس تمام شعارهایی که این نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح کرد در راستای همان شعارهایی است که ابراهیم رئیسی طی سه سال گذشته داده است.

احزاب و گروه‌های حامی: جبهه پایداری، جبهه صبح ایران، جبهه ایران اسلامی، جمعیت رزمندگان مدافع انقلاب (رژما)، حزب عدالت‌طلبان ایران اسلامی، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران.

چهره‌های سیاسی شاخص و مقامات فعلی و سابق حمایت‌کننده: محسن منصور (معاون اجرایی دولت سیزدهم)، حجت عبدالملکی (دبیر شورای عالی مناطق آزاد دولت سیزدهم)، فریدون عباسی‌دوانی (رئیس سازمان انرژی اتمی دولت احمدی‌نژاد)، محمدعلی رامین (معاون مطبوعاتی دولت احمدی‌نژاد)، مرتضی آقاچه‌رانی (نماینده مجالس هشتم، نهم، یازدهم، دوازدهم)، سیدمحمود نبویان (نماینده مجلس دوازدهم)، حمید رسایی (نماینده مجلس دوازدهم)، بیژن نوابوه (نماینده مجلس دوازدهم)، علی خضریان (نماینده مجلس یازدهم)، امیرحسین ثابتی (نماینده مجلس دوازدهم)، محمدجواد لاریجانی (رئیس سابق ستاد حقوق بشر قوه قضائیه)، حسین‌الله‌کرم (از چهره‌های شاخص انصار حزب‌الله)، سیدسعید لوسانی (امام جمعه سابق لوسان)، رحیم نوعی اقدم (سردار سپاه).

چهره‌های علمی، فرهنگی، ورزشی حامی: محمود رجبی (رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی)، موسی دبیباج (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، مسعود درخشان‌نو (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه)، زهرا پیشگاهی‌فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، صدیقه لطفی (عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران)، محمدرضا یزدی‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر)، سیداسماعیل موسوی (عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس)، زهره سادات حقیقی (عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت)، حسین غفوری (عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت)، هادی رستگارمقدم (عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، محسن حیدری آل‌کتیر (نماینده مجلس خبرگان)، سیدرحیم توکل (نماینده مجلس ولی‌امر)، غلامرضا فیاضی (رئیس هیئتمدیره مجمع عالی حکمت اسلامی)، سیدیدالله یزدان‌پناه (رئیس مؤسسه نجات)، محمد فتاوی‌اشکوری (عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی)، عبدالرسول عبودیت (عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی)، مجتبی مصباح‌یزدی (عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی)، علی مصباح‌یزدی (عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی)، سیدعلی موسوی (مدیر پژوهشکده تمدن توحیدی)، غلامرضا قاسمیان (رئیس کتابخانه مجلس)، علیرضا قزوه (نویسنده)، منصور ارضی (مداح)، سیدیدالله یزدان‌پناه (استاد حوزه علمیه)، ابوالفضل بهرام‌پور (مفسر قرآن)، علی‌اکبر سیفی‌مازندرانی (استاد حوزه علمیه)، سیدمحمدعلی معصومی (استاد حوزه علمیه).

مصطفی پورمحمدی

مصطفی پورمحمدی، که در سابقه کاری خود وزارت در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی و البته دادستانی انقلاب در برخی استان‌های مختلف کشور را دارد، برای اولین بار تصمیم گرفت به‌عنوان کاندیدا وارد فضای انتخابات ریاست‌جمهوری شده و ثبت‌نام کند. پس از اینکه نامش از سوی شورای نگهبان به‌عنوان یکی از شش چهره تاییدصلاحیت‌شده اعلام شد، از تشکیل «دولت قرار، ثروت، قدرت و عدالت» در صورت پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم خبر داد. او نیز مانند سایر نامزدهای انتخابات تمام شعارهایی که مطرح کرده، محوریت اقتصادی داشت. البته او در اظهارات خود گفته بود که حل مشکل اقتصادی کشور تنها راه‌کار اقتصادی نخواهد داشت و باید به سایر زمینه‌ها از جمله



(فلسوف و پژوهشگر قرآنی)، محسن رزانی (عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه اصفهان)، هادی خانیکی (مشاور رسانه و مطبوعات دولت خاتمی)، حمیدرضا جلابی‌پور (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، سعید لیلاز (استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی)، محمد فاضلی (استاد سابق دانشگاه شهید بهشتی)، علی شریفی‌زارچی (استاد سابق دانشگاه صنعتی شریف)، علی‌اکبر مسعودی‌خمینی (عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، مرتضی جوادی‌آملی (استاد حوزه علمیه قم)، محمدتقی فاضل‌میبدی (استاد دانشگاه مفید)، محمد درویش (فعال محیط‌زیست)، بهنام محمودی (کاپیتان سابق تیم ملی والیبال ایران)، رسول خطیبی (ملی‌پوش سابق فوتبال ایران)، سهیلا منصوریان (قهرمان ووشو جهان).

محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس دوازدهم که پیش از این در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شده بود، برای سومین بار قصد دارد شانس خود را برای رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری دولت مورد آرایش قرار دهد. او که درست چند روز پس از انتخاب مجدد به‌عنوان رئیس مجلس، در آخرین روز از ثبت‌نام‌ها راهی وزارت کشور شد، در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم شعار «دولت خدمت و پیشرفت» را برای ستادش انتخاب کرده است و در زمان تبلیغات ه وعده به مردم داد که اغلب این پیرامون مسائل اقتصادی بود. از زمین رایگان به خانوارهای بی‌مسکن تا دیوارکشی مرز شرقی.

احزاب و گروه‌های حامی: شورای وحدت نیروهای انقلاب اسلامی، جبهه مردمی نیروهای انقلاب، حزب مؤتلفه اسلامی، جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی، ائتلاف وفاق ملی جوانان ایران اسلامی، حزب نسل نو، انجمن اسلامی پزشکان، جمعیت پیشرفت و عدالت ایران اسلامی، کانون دانشگاهیان ایران اسلامی، کانون تربیت اسلامی، جامعه اسلامی مهندسين، جبهه ایستادگی انقلاب اسلامی، جمعیت فدائیان اسلام، حزب سبز، جامعه زینب(س)، جامعه اسلامی فرهنگیان، حزب توسعه عدالت ایران اسلامی، حزب اسلامی قانون، جامعه اسلامی کارگران، جمعیت اسلامی فرهنگیان، حزب خدمت، رویش ملی انقلاب اسلامی، جنبش تحول‌خواهی پیشرفت و شفافیت انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی حامیان کشاورز، جامعه دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد، انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان انگلستان، حزب اساتید کاربردی ایران اسلامی، ائتلاف وفاق ملی جوانان ایران اسلامی، مرکز هماهنگی دانش‌آموزان انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی کارمندان، ستاد ملی کشاورزی، ستاد اقتصادی بانوان کشوری، شورای هماهنگی تشکلات‌های انقلابی فرهنگیان، کانون دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق (ع)، شورای مرکزی کانون ایثارگران آموزش عالی.

چهره‌های سیاسی شاخص و مقامات فعلی و سابق حمایت‌کننده: محمدرضا باهنر (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)، علیرضا پناهیان (از مؤسسين قرارگاه عمار)، مهدی طائب (رئیس قرارگاه عمار، محمدحسن نامی (وزیر ارتباطات دولت احمدی‌نژاد)، محمدرضا اسکندری (وزیر جهاد و کشاورزی دولت احمدی‌نژاد)، مرضیه وحیددستجردی (وزیر بهداشت احمدی‌نژاد)، سیدمحمد حسینی (معاون پارلمانی دولت سیزدهم)، رامین مهمان‌پرست (سخنگوی وزارت خارجه دولت احمدی‌نژاد)، علی‌نیکزاد (نایب‌رئیس مجلس دوازدهم)، جواد کریمی‌قدوسی (نماینده سابق مجلس)، حبیب کاشانی (نماینده شورای شهر ششم)، علی‌اصغر قائمی (نماینده شورای شهر ششم)، علی‌اصغر عنایستانی (نماینده مجلس یازدهم)، محمدرضا رثوف‌شیبانی (سفير سابق ایران در سوریه)، سیدعلی سقائیان (سفير پیشین ایران در ارمنستان)، ماشاالله شاکری (سفير سابق ایران در پاکستان)، فرهاد زیویار (استاندار لرستان در دولت رئیسی).

چهره‌های علمی، فرهنگی، ورزشی حامی: سیدمحمدعلی موسوی‌جزایری (فقیه شیعی)، مجید سمیعی (فوق تخصص مغز)، محمود محمدی عراقی (رئیس دفتر رهبری در قم)، شهاب مرادی (معاون سابق شهرداری تهران)، حامد جنیدی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، ناصر رفیعی (کارشناس برنامه‌های دینی صداوسیما)، عبدالرضا داوری (مشاور سابق محمود احمدی‌نژاد)، محمود کریمی (مداح)، محمد طاهری (مداح)، محسن طاهری (مداح)، مهدی سلحشور (مداح)، سیدمجید بنی‌فاطمه (مداح)، سیدحمیدرضا هاشمی‌گلپایگانی (مدیرعامل خانه ای‌بی)، کمیل باقرزاده (رایزن فرهنگی ایران در لبنان)، مسعود عالی (استاد حوزه علمیه)، سعید صلح‌میرزایی (استاد حوزه علمیه)، علی نهاوندی (استاد حوزه علمیه).



تصمیم‌بخش نور

علی‌اکبر ناطق‌نوری از کاندیدان‌نوری مسعود پزشکیان حمایت کرد

روز گذشته خبر آمد که

علی‌اکبر ناطق‌نوری،

رئیس مجلس پنجم در

دیدار با اعضای جبهه

اصلاح‌طلبان ایران، از

مسعودپزشکیان اعلام

حمایت کرده است.

این خبر با وجود اینکه

دور از انتظار نبود اما

در فضای این روزهای

انتخابات‌نشانگر ایجاد

ائتلاف و اتحادی در

میان جریان‌های مخالف

وضع موجود و خواهان

اصلاح و بهبود است

و البته یادآور آنکه

آنها که دلسوز کشور

هستند آنجا که وضعیت

رابحرانی می‌بینند،

تصمیم به ائتلاف و اتحاد

می‌گیرند. البته که فراز

ونشیب تاریخ سیاسی

ما در طی سال‌های

پس از دوم خرداد ۷۶

مرزهای دسته‌بندی‌های

مختلف سیاسی رابه

شدت تغییر داده است؛

همین هم شده که

رقبای سیاسی سال‌های

۷۶، سیدمحمد خاتمی

و علی‌اکبر ناطق‌نوری

با هدف اعتلای کشور و

بهبود وضع آن هم‌سوی

هم‌نظر دست به حمایت

از یک‌گزینه این بار نه

اصولگرای سنتی و میان

می‌زنند. به عبارتی

هر دو تمام‌قدر در کنار

یک چهره آن هم در

جریان اصلاح‌طلبی با

رویکرد «عزت، حکمت

و مصلحت» کشور قرار

می‌گیرند.

ادامه یادداشت سردبیر

«همه برای میهن»، به‌تنهایی شعاری است ظاهراً ملی‌گرایانه، اما در عمل، ایندولوپیک، اقتدارگرایانه و راست‌کیشانه؛ شعاری که قابلیت آن را دارد تا خیلی سریع، لفظ «میهن» هم در آن کمرنگ شود و جای خود را به شخصی یا نیروی سیاسی مسلط بدهد. اما وجه دوم شعار نیز، «میهن برای همه»، گرچه دموکراتیک می‌نماید و یادآور شعار اصلاح‌طلبانه «ایران برای همه ایرانیان» است؛ اما بدون وجه نخست، نوعی بی‌مسئولیتی اجتماعی و مطالبات نامحدود از منابع محدود کشور را توتوریزه می‌کند. آنچه که، به‌نوعی، بسترساز شکست و افول نیروهای توسعه‌گرا و خردروز در مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران بوده است که راه را بر پیویلیسم یا رادیکالیسم گشوده است تا توده‌ها را بفریبند و بر آنان سوار شوند و کشور را به پرتگاه اندازند.

از این منظر، امیدوارم روزنامه «هم‌میهن» بتواند در مواجهه سیاسی-راهبردی خود، چه با حکومت، چه با جامعه و چه با نخبگان سیاسی و فکری، به شکلی حرکت کند که در جهت تحقق کلان‌ایده «همه برای میهن/میهن برای همه» باشد. در همان یادداشت، هدف انتشار روزنامه را از بُعد حرفه‌ای و محتوایی «یک مرحله عمیق‌تر، یک گام پیش‌تر» در بررسی رخدادها و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ذکر کردم که در این دو سال تلاش کردیم همین مسیر را طی کنیم. اما همان شعار حرفه‌ای و محتوایی نیز، قابل خوانشی سیاسی است. انتشار روزنامه در فضا و شرایطی صورت گرفت که کمتر کسی از اهل فرهنگ و سیاست، آن را کنش‌ساز مؤثر و حتی عقلمانی می‌پنداشت و عموماً از پایان دوران رسانه‌های مکتوبی می‌گفتند و نیز بسیاری از بزرگان جریان اصلاحات، انتشار روزنامه‌ای اصلاح‌طلب و سیاسی در شرایط اقتدار حاکمیت یکدست، فاقد افق بلندمدت و با سبب انتشار دشوار و در حد امتناع می‌پنداشتند. باین حال، در همان شرایط مدیریت روزنامه که با پیگیری بسیار توانسته بود پس از ۱۴ سال مجوز انتشار دوباره را بگیرد، با رویکردی متمایز از نقدهای ظاهراً واقع‌بینانه و بعضاً با نیش و کنایه، همین احیای مجوز را فرصتی برای فعالیت و طرح‌مواضع‌دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه توسعه‌گرایانه می‌دید و از این‌رو، به‌رغم چشم‌انداز نامساعد اقتصادی و امنیتی، «هم‌میهن» منتشر شد که به نظر می‌رسد تأثیر خود را نیز در مجموعه تحولات دو سال گذشته بر جای گذاشته باشد.

آنچه در انتشار «هم‌میهن» رخ داد، از منظری سیاسی و تحلیلی (و البته، صرفاً در حد یک روزنامه منتقد کنشی سیاسی در جهت استفاده از حداقل فضا و فرصت در فضای پراکنده از یکدست‌سازی حاکمیت در سال ۱۴۰۰ بود. با این منطق روشن که اگر در حد یک روزنامه هم بتوان در فضا مؤثر بود، نباید این امکان را از دست داد. همین منطق، اواخر سال ۱۴۰۲ و در مباحثی که حول انتخابات مجلس دوازدهم با بیانیه «روزنه‌گشایی» طرح شد و صورت‌تئوریک جدی‌تری به خود گرفت، دیده می‌شود. تلاشی که بدرغم مشارکت پایین رای‌دهندگان به‌ویژه در تهران و کلانشهرها، توانست در حد خود مؤثر باشد و با آنکه اکثریت اصلاح‌طلبان و بخش غالب پایگاه اجتماعی منتقدان وضع موجود پای صندوق‌ها نیامدند و تعداد نامزدهای شاخص اصلاح‌طلب و میانه‌رو نیز اندک بود. اما همین رویکرد منجر به شکل‌گیری فراکسیون اقلیت مجلس دوازدهم با حدود ۹۰ عضو شد؛ تا جایی که دو تن از اعضای آن، به هیئت‌رئیس مجلس نیز راه یافتند. نامزد اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز شاخص‌ترین چهره‌های همین فراکسیون اقلیت پارلمانی است که در دوره‌های اخیر مجلس و به‌رغم خودداری اکثریت اصلاح‌طلبان از حضور در انتخابات برخی ادوار، همواره از کمترین فرصت سود جسته است و توانسته به نمایندگی مردم تبریز و آذربایجان به پارلمان راه یابد و حتی در سخت‌ترین و یکدست‌ترین مجلس (دوره یازدهم) و در پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین اعتراضات سیاسی پس از انقلاب (پاییز ۱۴۰۱)، توانست تک‌صدایی باشد برای دفاع از عدالت و حقیقت و حقوق شهروندان.

امروز و در فاصله یک‌روز تا انتخابات، بسیار پرسیده می‌شود که رای دادن چه حاصلی دارد. نمی‌خواهم در نقد کششگران تحریم یا اهالی نزدیک، نکته‌ای بیاورم. صرفاً می‌خواستم همین دو تجربه متأخر را یادآور شوم و بپرسم: اگر مدیریت «هم‌میهن» قدر گزینه ممکن انتشار را نمی‌دانست و سخنی‌های راه و چشم‌انداز تیره‌وتار پیش‌رو را بی‌توجه کنار نشستن و منفعل ماندن می‌ساخت، بهتر و مؤثرتر بود یا آنچه شد؟ اگر در مجلس دوازدهم با همه محدودیت‌ها و ردملاحیت‌ها، اصلاح‌طلبان و بدنه حامی آنان جدی‌تر به میدان می‌آمدند و مقابل تداوم روند خالص‌سازی می‌ایستادند، بهتر بود یا الان که در صورت در اختیار گرفتن دولت، اولین چالش با پارلمان ناهم‌سوی خواهد بود و اتفاقاً، تنها نقطه اتکا در این وضعیت، همان فراکسیون اقلیتی است که با تلاش بخشی از نیروهای سیاسی و فکری و همراهی بخشی از جامعه که پای صندوق آمد، شکل گرفت. امروز نیز، رویکرد منطقی این است که انتخابات فردا را به‌رغم صحنه‌نایب‌رایر آن، به‌مثابه فرصت و روزنه‌ای بیابیم که می‌تواند بستر گشایش در داخل و کاهش تنش در خارج باشد؛ روزنه‌ای که در صورت انتخاب گزینه حامی اصلاحات و میانه‌روی، دست‌کم چهره‌ای انسان‌گرایانه از دولت را هم به جامعه ایران و هم جهان نشان می‌دهد و همین تغییر اندک، تأثیر خود را بر وضعیت‌روندگی همه ایرانیان می‌گذارد و آن‌را به سوی عادی‌سازی و سپس، توسعه می‌برد...